

اسلام ربطی به هویت ملی ما ندارد!

در نظرخواهی کنار صفحه در مورد "نقش اسلام در ایران"، گزینه سوم پرسش مهمی را مطرح کرده است که توجهی مضاعف را می طلبد: "آیا اسلام جزئی از فرهنگ ایرانی است؟" و می بینیم تا همین لحظه، تعداد قابل توجهی از هموطنان این گزینه را مثبت تلقی کرده، بدان رأی داده اند. اما پیام ظریفی که در این پرسش کوتاه گنجانده شده چیست؟

من بشخصه معتقدم که تارهای اسلام - به هر حال - در میان پودهای فرهنگ فعلی ایران ما خود را نتانده است و در آن بطور قابل توجهی حضور دارد، همانگونه که مثلن "تریاک کشتی" در بخشهایی از میهن ما بعنوان فرهنگ عامه وجود دارد و مثلن اگر به کرمان بروید، در بعضی از توابع با تریاک از شما پذیرائی می کنند! اما نکته قابل اعتنا درست همینجاست که "فرهنگ با هویت ملی تفاوت دارد". "بعبارتی، باید اذعان داشت که هویت ملی ایرانی اصولن ربطی به اسلام ندارد، و برعکسش هم اینست که اسلام ربطی به هویت ملی ما ندارد. این برداشت را می توان چنین تبیین کرد که فرهنگ عام، مجموعه ای ست از باورهای روزمره انسانها - که در مورد ایران - بختک اسلام سالهاست چتر خود را بر آن پهن کرده است. اما اکنون می پرسیم: "آیا ایرانی بدون اسلام باز می تواند همانطور ایرانی باقی بماند؟" و باز می پرسیم: "آیا ایرانی، ایرانی بودنش منوط به مسلمان بودن اوست، یا اگر بعنوان مثال یهودی یا زرتشتی یا مسیحی یا ... بود هم می تواند با همان کیفیت ایرانی بماند؟ و پاسخ معقول چنین است: بی تردید شما می توانید ایرانی باشید، حتی با آئینی سوا و جدای اسلام و حتی می توانید ایرانی باشید، در حالی که به هیچ دینی باور ندارید و می توانید ایرانی باشید، با وجودی که در خارج از ایران زندگی می کنید.

برای درک بهتر مطلب، بد نیست مثالی بزنیم:

به مجموعه مللی که خود را عرب می نامند نظری بیافکنید. به نظر شما اسلام چه نقشی را در عرب بودن آنان بازی می کند؟ به باور من نقش اسلام، نقشی بغایت بنیادین است و اگر عربی مسلمان نباشد، دیگر نمی تواند خود را عربی اصیل بداند، و اگر هم بداند، کسی به او اعتنائی نخواهد کرد. اگر مصر و سوریه توسط چماق به اسلام گرویدند و زبان و هویت ملی خویش را از دست دادند، اکنون با هویت عربی زنده اند و اگر آنها از این کشورها بگیری، تلاش عمیق می طلبد که جایگزینی مناسب برایش بیابی که البته به سرانجام رساندن چنین پروژه ای نیز چندان امیدوار نتوان بود. پس می توان گفت: "سخن از جهان عرب، سخن گفتن از جهان اسلام است و اعراب از اسلام هویت ملی خویش را وام می گیرند". اسرائیلی ها چطور؟ مرکزیت آئین یهود در ملیت اسرائیلی همان نقش بنیادینی را بازی می کند که اسلام در عرب دارد. اگر ناسیونالیسم یهودی یا همان صهیونیسم بوجود آمد و توانست کشوری بسازد، بخاطر رابطه تنگاتنگش با آئین یهود بود. نه بهتر است از واژه مرکب "رابطه تنگاتنگ" در این مورد بخصوص استفاده نکنیم و صریح بگوییم فقط بخاطر یهودی بودنش بود. حال اگر کشور دموکراتیک اسرائیل از نقش تئوکراتیک (حکومت مذهب) خود فاصله بگیرد، بی شک هویت ملی و ماهیت خود را از دست می دهد. پس ببینید مذاهب چگونه در این دو مثال در هویت ملی مردمان دخیل هستند و نقش بنیادین بازی می کنند. اما ایران ما چطور؟ بگذارید به ترک ها هم اشاره ای داشته باشیم:

ترکها با اینکه خود مبلغ اسلام و از خلیفه گری های عمده و جانشین اعراب بودند، اما باز هویت ملی ترک بدون اسلام ناقص نمی شود. بعبارتی، ترک بودن ربطی به مسلمان بودن ندارد و هویت ملی ترک می تواند بدون اسلام - حتا - به حیات خود ادامه دهد، چرا که اسلام تنها نقش معرفتی و معنوی، و نه ساختاری در آن بازی می کند. و بی شک همه مان می دانیم که معنویت رابطه تنگاتنگ با فرهنگ دارد و فرهنگ ذاتش متغیر است و در طول زمان جابجا می شود و حتا این جابجائی ها می توانند متضاد هم باشند. پس اسلام معرف هویت ملی ترک نیست.

هویت ملی ایران ما نیز چنین است. ایرانی بودن ربطی به مسلمان بودن ندارد و اگر آنها جزئی از فرهنگ "فعلی" ایران می دانیم، بخاطر متغیر بودن جوهر فرهنگ می تواند در آینده بخشی از آن بحساب نیاید.

بقلم : افشین زند